

پیچیدگی واقعیت اجتماعی

نعیمه احمدی بغدادآبادی
کارشناس ارشد پژوهش علوم اجتماعی
دبیر دبیرستان‌های یزد - مهریز

چکیده

پدیده‌های اجتماعی اجزای جهان اجتماعی‌اند. می‌توان این پدیده‌ها را از نظر سطح، به کلان - خرد و ذهنی - عینی تفکیک کرد. در این پژوهش بر سطوح واقعیت اجتماعی تمرکز شده است و در قالب پیوستارها این سطوح بیان شده‌اند.

کلیدواژه‌ها: واقعیت اجتماعی، سطوح خرد و کلان، سطوح ذهنی و عینی، پیوستار تلفیقی

مقدمه

«واقعیت» یا «امر اجتماعی» هر آن چیزی است که مسلم و قطعی شمرده می‌شود. امر اجتماعی شامل هر وضع، رابطه، رویداد یا واقعیتی خواهد بود که به هر صورت جنبه‌ای از حیات اجتماعی را متجلی می‌سازد. امور اجتماعی پدیده‌های واقعی هستند [ساروخانی، ۱۳۶۷: ۳۵۶]. واقعیت کیفیتی مرتبط با پدیده‌هایی است که آن‌ها را دارای وجودی مستقل از خواست و اراده خود می‌دانیم و نمی‌توانیم آن‌ها را کنار بگذاریم [مجیدی، ۱۳۷۵: ۷]. جهان اجتماعی واقعا به سطوح مختلف تقسیم نشده است. در واقع، واقعیت اجتماعی را بهتر است به‌عنوان انواع گوناگون پدیده‌های اجتماعی در نظر بگیریم که پیوسته در کنش متقابل و دگرگونی به سر می‌برند. فهم چنین شمار انبوهی از پدیده‌های اجتماعی گسترده و درهم تداخل‌کننده بسیار دشوار است. در اینجا به یک نوع طرح مفهومی آشکار نیاز است و جامعه‌شناسان چندین طرح مفهومی را برای احاطه بر جهان اجتماعی ساخته و پرداخته‌اند. اندیشه سطوح واقعیت اجتماعی را که در اینجا به کار رفته است، باید یکی از انواع گوناگون چنین طرحی به شمار آورد که می‌تواند برای مقاصد احاطه بر پیچیدگی‌های جهان اجتماعی به کار آید [تلائی، ۱۳۸۹: ۶۳۷].

پیوستار کلان‌بینانه - خردبینانه

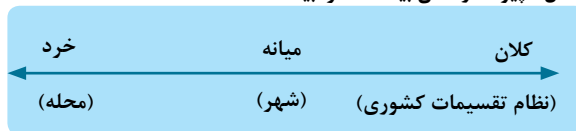
دو پیوستار واقعیت اجتماعی برای طرح سطوح عمده جهان اجتماعی به کار می‌روند. نخستین پیوستار پیوستار

کلان‌بینانه - خردبینانه است. تصور جهان اجتماعی که از یک رشته پدیده‌های سطح خرد تا سطح کلان ساخته شده باشد، به نسبت آسان است؛ زیرا تصویری بسیار آشنا به شمار می‌آید. در حد کلان این پیوستار، پدیده‌های اجتماعی پهن‌دامنه‌ای همچون گروه‌های جوامع (مانند نظام‌های جهانی سرمایه‌داری و سوسیالیستی) و خود جوامع و فرهنگ‌ها قرار دارند. اما در حد خرد پیوستار، کنشگران فردی و اندیشه‌ها و کنش‌هایشان جای دارند. در میانه پیوستار نیز طیف وسیعی از گروه‌ها، جمع‌ها، طبقات اجتماعی و سازمان‌ها جای می‌گیرند. ما در تشخیص این تمایزها و تصور جهان برحسب پیوستار خرد - کلان کمتر مشکل داریم. در اینجا مرزهای مشخص و تفکیک‌کننده‌ای میان واحدهای کلان و خرد اجتماعی وجود ندارند و در عوض با پیوستاری سر و کار داریم که از حد خرد به حد کلان امتداد می‌یابد [همان، ص ۶۳۸].

سطح کلان واقعیت شامل جمعیت بزرگ‌تری از افراد است که در مکان و در زمان طولانی‌تری سامان یافته‌اند. سطح کلان واقعیت در نهایت به رابطه یک جمعیت به منزله کیفیتی واحد با محیط اجتماعی و فیزیکی - زیستی‌اش مربوط می‌شود [جلائی پور و محمدی، ۱۳۹۶: ۱۰۷].

سطح خرد واقعیت از پاره‌هایی از کنش متقابل و تعامل رو در رو یا آنچه گافمن (۱۹۶۱) «مواجهه» می‌خواند، تشکیل شده است. در مواجهه‌های متمرکز، افراد در یک جمعیت بومی با هم رو در رو می‌شوند و کانون توجه مشترکی دارند. در مواجهه‌های غیرمتمرکز، انسان‌ها از رویارویی مستقیم دوری می‌کنند، ولی در فضای عمومی، کنش‌های یکدیگر را زیر نظر می‌گیرند. نیروهای پایه سطح خرد به منزله سطح متمایزی از واقعیت، مواجهه‌ها را ایجاد می‌کنند و جهت می‌دهند. این نیروها عبارت‌اند از: عواطف، نیازهای پیوندجویانه، نمادها، نقش‌ها، پایگاه، جمعیت‌شناسی و بوم‌شناسی [همان، ص ۱۱۳]. در یک سوی پیوستار کلان‌بینانه - خردبینانه پدیده‌های خرد، مانند کنش‌های اجتماعی افراد، و در سوی دیگر آن، پدیده‌های کلان، مانند فرهنگ و جامعه، قرار دارند. در میانه پیوستار نیز پدیده‌هایی که دامنه متوسط دارند، قرار می‌گیرند (شکل ۱).

شکل ۱. پیوستار کلان بینانه - خردبینانه



پیوستار ذهنی - عینی

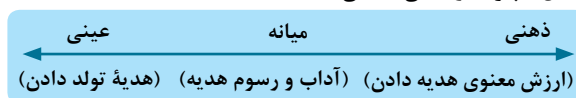
دومین پیوستار نمایانگر بعد ذهنی - عینی واقعیت اجتماعی است. در هر دو حد پیوستار خرد - کلان می توان میان عناصر ذهنی و عینی تمایز قائل شد. در سطح خرد یا فردی، فرایندهای روانی و ذهنی کنشگر و الگوهای عینی کنش و کنش متقابل را که کنشگر درگیر آن است، می بینیم. در اینجا بعد ذهنی به چیزی اطلاق می شود که تنها در قلمرو افکار رخ می دهد، حال آنکه بعد عینی مربوط است به رویدادهای واقعی و مادی. همین تمایز را می توان در حد کلان پیوستار یادشده نیز پیدا کرد. هر جامعه، هم از ساختارهای عینی مانند حکومت، دیوانسالاری و قوانین ساخته شده است و هم از پدیده های ذهنی مانند ارزش ها و هنجارها. پیوستار ذهنی - عینی از پیوستار خرد - کلان پیچیده تر است.

برای روشن تر ساختن قضایا و فائق آمدن بر این پیچیدگی های بهتر است به یک نمونه عینی و نیز کار شماری از جامعه شناسان در زمینه پیوستار ذهنی - عینی نگاهی بیندازیم. برای مثال، خرید یک خودروی نو را در نظر بگیرید. در سطح ذهنی خرد باید بر رویکردها و جهت گیری های خریدار فردی تأکید ورزید که بر نوع خودروی مورد خریداری تأثیر می گذارند. اما تمایز اساسی میان سطح های خرد ذهنی و عینی تحلیل در همین قضیه نهفته است. خریدار ممکن است خواستار (حالت ذهنی) یک خودروی اسپورت باشد، ولی در عمل (واقعیت عینی) خودرویی مقرون به صرفه بخرد. برخی از جامعه شناسان به بررسی حالت های روانی و ذهنی علاقه مندند و برخی دیگر به واقعیت های عینی. در بسیاری از موارد فهم رابطه متقابل بین این دو سطح خرد مهم و سودمند است.

در سطح کلان نیز ابعاد ذهنی و عینی وجود دارند. تا مدت ها بیشتر آمریکاییان خودروهای بزرگ تر و نیرومندتر را ترجیح می دادند. سپس دگرگونی های عینی در سطح اجتماعی پدید آمد و بر این رویکردهای مشترک تأثیر گذاشت و به دگرگونی هایی در ترجیح های مشترک شمار انبوهی از مردم منجر شد. بسیاری از مردم تقریباً یک باره اتومبیل های کوچک و کم مصرف را پسندیده تشخیص دادند. همین دگرگونی به نوبه خود به دگرگونی بزرگی در ساختار شرکت های خودروسازی آمریکا انجامید [ثلاثی، ۱۳۸۹: ۶۳۹-۶۳۸].

در این تقسیم بندی، پدیده های اجتماعی از نظر عینی و محسوس بودن یا ذهنی و نامحسوس بودن در یک پیوستار قرار می گیرند؛ مانند پیوستار زیر:

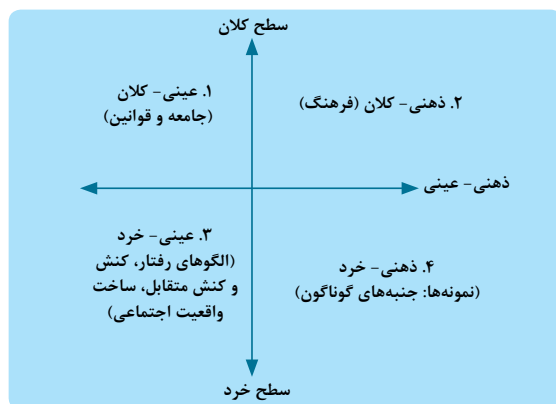
شکل ۲. پیوستار ذهنی - عینی



پیوستار تلفیقی

در قسمت قبل دو پیوستار (کلان - خرد) و (ذهنی - عینی) بیان شدند. هر چند که این پیوستارها به خودی خود جالباند، اما روابط متقابل بین آنها اهمیت دارد. شکل ۳ باز نمودی ترسیمی است از تقاطع این دو پیوستار و چهار سطح واقعیت اجتماعی که از این تقاطع ناشی می شوند.

شکل ۳. سطوح عمده واقعیت اجتماعی [همان، ص ۶۴۴]



واقعیت اجتماعی در یک انگاره تلفیقی چند سطح یا بعد دارد که عبارتند از: سطح ذهنی - کلان، سطح عینی - کلان، سطح ذهنی - خرد و سطح عینی - خرد.

نتیجه گیری

تمام پدیده های اجتماعی خرد و کلان، یا عینی هستند و یا ذهنی. نتیجه اینکه چهار سطح عمده برای تحلیل اجتماعی وجود دارد و جامعه شناسان باید به رابطه متقابل و دیالکتیکی بین این سطوح توجه داشته باشند. هر یک از این سطوح چهارگانه فی نفسه مهم هستند، اما آنچه بیشترین اهمیت را دارد، رابطه دیالکتیکی میان آنها است.

واقعیت اجتماعی، به عنوان یکی از موضوع های اساسی در جامعه شناسی، دیدگاه های متمایزی را رقم زده که در مقابل یکدیگر قرار دارند. انگاره «واقعیت های اجتماعی» بر سطوح عینی - کلان و ذهنی - کلان تأکید می ورزد، انگاره «تعریف اجتماعی» به سطوح ذهنی - خرد و عینی - خرد، یعنی کنش توجه دارد، و انگاره «رفتار اجتماعی» به آن سطح از جهان عینی - خرد می پردازد که به قصد و نیت موکول نیست، و متوجه رفتار واکنشی فرد در برابر محرک های خارجی است.

منابع

۱. برگر، پیتر و توماس، لوکمان (۱۳۷۵). ساخت اجتماعی واقعیت (رساله ای در جامعه شناسی شناخت). ترجمه فریبرز مجیدی. انتشارات علمی و فرهنگی. تهران.
۲. بیرو، آلن (۱۳۳۷). فرهنگ علوم اجتماعی. ترجمه باقر سلوخوانی. انتشارات کیهان. تهران.
۳. جلالی پور، حمیدرضا و محمدی، جمال (۱۳۹۶). نظریه های متأخر جامعه شناسی. نشر نی. تهران.
۴. حق شناس، علی محمد و دیگران (۱۳۷۹). فرهنگ معاصر هزاره انگلیسی به فارسی (ج ۱). انتشارات فرهنگ معاصر. تهران.
۵. ریتز، جورج (۱۳۸۹). نظریه جامعه شناسی در دوران معاصر. ترجمه محسن ثلاثی. انتشارات علمی. تهران.